

## تأثیر آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت در دانش‌آموزان ابتدایی

فریبا کوشکی<sup>۱</sup>

علی محمد ناعمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد.

روش: روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر سبزوار در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۶ بود. بدین منظور تعداد ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه ششم یکی از مدارس شاهد با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گواه (۲۰ نفر) قرار گرفتند. آن‌گاه از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد. گروه آزمایش برنامه آموزش مدیریت زمان را طی ده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای دریافت نمود، در حالی که گروه گواه آموزشی دریافت نکرد پس از اتمام جلسات آموزشی، از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۶۳) بود. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل کواریانس) تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین گروه‌های آزمایش و گواه در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد و آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت و مؤلفه‌های بسط و ابتکار گروه آزمایش تأثیر مثبت و معناداری داشته است؛ ولی بر مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و سیالی مؤثر نبوده است.

۱. دانشجوی سابق کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

f.koushki749@yahoo.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول) amnaemi@iaus.ac.ir



نتیجه‌گیری: براساس نتایج می‌توان گفت آموزش مدیریت زمان موجب افزایش خلاقیت می‌شود، لذا به معلمان پیشنهاد می‌شود به نقش آموزش مهارت‌های مدیریت زمان بر رشد خلاقیت آنان توجه شود.

**کلید واژه‌ها:** مدیریت زمان، خلاقیت، دانش آموزان.

### پیشگفتار

امروزه، با توجه به تحولات سریع در جهان و گسترش رقابت‌های جهانی، شناخت فزاینده و مداوم، روی خلاقیت<sup>۱</sup> از جایگاه ممتازی برخوردار است (رانکو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). خلاقیت کلید شکوفایی و موفقیت فردی و سازمان‌های اجتماعی محسوب می‌شود (کامپیلیس، برکی و ساریلوما<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). زامپتاکیس و موستاکیس<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) خلاقیت را تولید ایده‌های جدید و مفید می‌دانند که نقطه شروع نوآوری و کارآفرینی است. خلاقیت بخش جدایی‌ناپذیر دنیای مدرن است که در بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی مطرح است. تحقیقات روانشناسی، فلسفه و علوم سیاسی از این امر حمایت می‌کنند که مطالعه خلاقیت، سبب تغییر در روش‌های مورد استفاده برای درک پدیده‌ها شده است. خلاقیت شهروندان نیز به عنوان عنصری مهم برای تحرک اقتصادی شناخته شده است (فداتوا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). استرنبرگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) خلاقیت را توانایی آفرینش اندیشه‌های نو در سطح عالی می‌داند که آمیزه‌ای از توان نوآوری، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر باورهای موجود است و به فرد این توانایی را می‌دهد که همراه با اندیشه منطقی و خردمندانه، به یافته‌های دیگری بیندیشد تا دستاوردهای سودمند برای او و دیگران

- 
1. creativity
  2. Runco
  3. Kamyliis, Berki & Sarluoma
  4. Zampetakis & Moustakis
  5. Fedotova
  6. Strenberg

داشته باشد. گیلفورد<sup>۱</sup> (۱۹۶۷؛ به نقل از حسینی، ۱۳۸۴) ضمن معرفی تفکر همگرا و تفکر واگرا، به منزله دو شکل عمده تفکر انسان؛ تفکر همگرا را با هوش و تفکر واگرا را با خلاقیت مرتبط می‌داند. تفاوت آن‌ها را در این می‌داند که نتیجه تفکر همگرا از قبل معلوم است؛ در حالی که در تفکر واگرا پاسخ قطعی وجود ندارد و ممکن است پاسخ‌های احتمالی بسیار زیادی وجود داشته باشند که از نظر منطقی همه آن‌ها درست باشند. در نظریه گیلفورد، تفکر واگرا از چند عامل تشکیل شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

سیالی<sup>۲</sup>: توانایی تولید یا کاربرد انواع ایده‌ها یا رویکردها؛ بسط<sup>۳</sup>: توانایی گسترش یک متن با استفاده از جزئیات و توانایی تعریف مجدد ادراک به گونه‌ای متفاوت از شیوه‌های قدیمی متعارف؛ ابتکار<sup>۴</sup>: توانایی ایجاد ایده‌های نو و بدیع؛ انعطاف‌پذیری<sup>۵</sup>: تولید اندیشه‌های متنوع و غیر معمول.

کر و گاکلیاردی<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) خلاقیت را به عنوان خلق ایده‌های نو و تولیدات ابتکاری تعریف می‌کنند و آن را یکی از ویژگی‌های شناختی انسان می‌دانند. آنان خلاقیت را فرآیندی می‌دانند که منجر به حل مسئله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشیاء هنری، نظریه‌پردازی و تولیدات بدیع و یکتا می‌شود. رابینسون و ازم<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) خلاقیت را به عنوان فرایند ساخت چیزی می‌دانند که هم اصیل و هم ارزشمند است یا دارای ویژگی‌های اصالت، پر معنا بودن و ابتکاری باشد. یونلو، کلمپ و شافر<sup>۸</sup> (۲۰۱۷)؛ به نقل از بهرامی و همکاران، (۱۳۹۷) خلاقیت را به عنوان به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید تعریف می‌کنند. به بیان دیگر، خلاقیت یعنی استفاده از قدرت تخیل به منظور ساختن چیزهایی که پیش از این وجود نداشته و انجام کارهایی که پیش از این کسی انجام نداده است (فقیه آرام، ۱۳۹۷). گرچه

1. Guilford
2. fluency
3. elaboration
4. originality
5. flexibility
6. Kerr & Gagliardi
7. Robinson & Azzam
8. Yunlu, Clapp & Shaffer

خلاقیت از ویژگی‌های فطری انسان است، اما رشد و شکوفایی آن مستلزم آموزش است. امروزه، یکی از موضوعات مورد علاقه روانشناسان و پژوهشگران تربیتی بررسی خلاقیت و چگونگی تأثیرگذاری آن بر شیوه‌های یاددهی-یادگیری است. در دهه‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده تا به این دو پرسش اساسی پاسخ دهند که خلاقیت چیست و آیا می‌توان آن را آموزش داد (تئو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). اونا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) بر این باور است که افراد، با توانایی‌های محدودی از خلاقیت متولد می‌شوند که با آموزش صحیح، می‌توان آن را پرورش داد. تورنس<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت را امری ضروری می‌داند. وی ضمن انتقاد از آموزش و پرورش سنتی، بر اهمیت تغییر و تحول برنامه‌های سنتی و هدایت آموزش به سمت برنامه‌های خلاق تأکید می‌ورزد. او معتقد است که برای تحقق بخشیدن به این موضوع باید به غنی‌سازی محیط آموزشی و ارائه برنامه‌های خلاق پرداخت. از جمله عواملی که در رشد خلاقیت مؤثرند، می‌توان به انگیزش (بویژه انگیزش درونی)، دانش به‌دست آمده از فضای درونی و برونی، عوامل درون‌فردی و برون‌فردی، عوامل فرهنگی (میکر، جو و مومار<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) از جمله مدیریت زمان<sup>۵</sup> (زامپتاکیس، ۲۰۱۰) اشاره کرد. زمان، کالایی است که نیازمند مدیریت مؤثر بوده و مدیریت زمان مؤثر، شاخصی کلیدی از مزیت‌های رقابتی سازمانی است (کلاسنس، وان ارد، روت و رو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). بارکلی<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) مدعی است که مدیریت زمان از مهمترین عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است که با تعلل، حواس‌پرتی، فراموش‌کاری، برنامه‌ریزی و قابلیت‌های مدیریت زمان مرتبط است. زامپتاکیس، بوراندا و

1. Teo  
2. Oana  
3. Torrance  
4. Maker & Muammar  
5. time management  
6. Claessens, van Eerde, Rutte & Roe  
7. Barkley

موستاکیس<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) بر این باور است که بین مدیریت زمان با میزان خلاقیت فردی، ارائه ایده-های خلاق رابطه وجود دارد. لئونیداس<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) ضمن تأکید بر وجود رابطه مثبت بین مدیریت زمان و خلاقیت فردی اظهار می‌دارد که اولویت‌بندی وظایف، اولین گام در این زمینه است که باید به صورت روزانه و سالانه انجام شود.

زمان اشاره به تداوم حوادث و رویدادهایی دارد که ظاهراً غیرقابل برگشت بوده و بر اساس توالی از گذشته به حال رخ داده است و در نهایت به سوی آینده پیش می‌رود (دیکشنری میراث آمریکایی زبان انگلیسی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). زمان به خاطر ایجاد فرصت‌هایی برای تفکر انسان در مورد وضعیت، شرایط و محیط خود و نیز ساختن، تغییر، خلق کردن و بقاء نظام‌های مختلف حیاتی است. مدیریت زمان شامل قوانینی می‌شود که زندگی روزمره افراد جامعه را مدیریت کرده و به آن‌ها کمک می‌کند تا به موفقیت دست یابند. از آنجایی که قوانین و مقررات اجرایی مناسب برای افراد و ملل حیاتی است، زمان به عنوان راهی اساسی جهت حل همه مشکلات در نظر گرفته می‌شود. پایه و اساس رسیدن به نتایج مثبت از طریق داشتن اهداف خوب، مدیریت زمان، اشتیاق و کار سخت امکان‌پذیر است. بنابراین، همه افراد باید برای هر فعالیتی زمانی را اختصاص دهند. تاریخ بشر نیز گویای این است کسانی که زمان خود را مدیریت می‌کنند، موفق‌تر هستند (سahیتو و وایسانن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷).

مدیریت زمان به رفتارهایی گفته می‌شود که با هدف استفاده مؤثر از زمان در حین اجرای فعالیت هدف‌دار خاصی انجام می‌شود (لیو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). مدیریت زمان پیش شرط کار مؤثر است و شامل توانایی درک روال کار، اولویت‌بندی برنامه ریزی و ارزیابی است (آگار، بلومفیلد، فروتجولدا، توماس و کو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). هدف از مدیریت زمان اختصاص زمان بیشتر به فکر کردن

1. Zampetakis, Bouranta & Moustakis
2. Leonidas, Zampetakis, Bourantab, Vassilis & Moustakis
3. The American Heritage Dictionary of the English Language
4. Sahito & Vaisanen
5. Liu, Rijmen, MacCann & Roberts
6. Aggar, Bloomfielda, Frotjolda, Thomas & Koo

در مورد وظایف است و نه انجام وظایف بیشتر در زمان کمتر (اوجو و اولانین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). مدیریت زمان اشاره به فعالیت‌هایی دارد که مستلزم کاربرد مؤثر زمان به منظور تسهیل بهره‌وری و کاهش استرس است. ویژگی مشترک در میان تعاریف مدیریت زمان، برنامه‌ریزی رفتار است. برنامه‌ریزی رفتار، به تصمیم‌گیری‌ها درخصوص انجام کارها، اولویت‌بندی آن‌ها و مدیریت مؤثر سردرگمی‌های احتمالی، اشاره دارد (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۷). بر اساس مدل ماکان<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) مدیریت زمان از سه نوع رفتار ناشی می‌شود: ۱- تعیین اهداف و اولویت‌ها<sup>۳</sup>؛ ۲- مکانیک‌های مدیریت زمان<sup>۴</sup>؛ ۳- ترجیح سازماندهی<sup>۵</sup>.

مک کینز<sup>۶</sup> (۱۹۹۰) اولین کسی بود که مفهوم برنامه آموزش مدیریت زمان را ارائه نمود و معتقد است که آموزش این مهارت‌ها با دادن بینش مناسب در مورد فعالیت‌های وقت‌گیر، تغییر میزان صرف وقت و اولویت‌بندی، اثرات مثبتی بر رفتارهای مدیریت زمان دارد (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۷). مدیریت زمان به صورت پیشرفته به معنی کمک کردن به چگونگی تصمیم‌گیری برای انجام دادن کارها و تقسیم‌بندی زمان است (مک کان، داک و ورث و رابرتس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). مدیریت زمان فرایندی است که کمک می‌کند تا افراد با کنترل بهتر زمان و افزایش کارایی و بهره‌وری، زندگی کارآمد و مؤثری داشته باشند. اگر یک دانش‌آموز از اهمال‌کاری رنج می‌برد، می‌توان استنباط کرد که او قربانی سوءمدیریت زمان است (گلیک و اورسیلو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵). با توجه به این که امروزه، افزایش کارایی و اثربخشی، از مهمترین هدف‌های سازمان‌ها و از جمله سازمان‌های آموزشی به شمار می‌رود و توانایی مدیران در مواجهه با فشار زمانی موجود و نحوه کنترل و مدیریت زمان از عوامل تأثیرگذار بر آن است، اهمیت تغییرات یادشده سبب شده تا بررسی عوامل محیطی تأثیرگذار بر افزایش کارایی، بهره‌وری، نوآوری

1. Ojo, David & Olaniyan.
2. Macan
3. setting goals and priorities
4. mechanics
5. Preference for disorganization
6. Mackenzie
7. MacCann, Duckworth & Roberts
8. Glick & Orsillo

و خلاقیت مورد توجه قرار گیرد و به فنون مدیریت زمان بیش از پیش توجه شود (زامپتاکیس، ۲۰۰۹).

یکی از مشکلات عملی که اغلب دانش‌آموزان و حتی دانشجویان در دوران تحصیل با آن مواجه می‌شوند مدیریت زمان است. زیرا آن‌ها معمولاً در طول دوران آموزش ابتدایی و متوسطه از سوی والدین و معلمان خود مدیریت می‌شوند. از این رو، لازم است که با روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت زمان آشنا شوند (ایکسیا- هوا، ۲۰۰۷، به نقل از سواری و کندی، ۲۰۱۱). کیسا و ارسوی<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نیز معتقدند که مدیریت زمان یک نیاز و یک هدف خوب است و باید آموزش داده شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مهارت مدیریت زمان را می‌توان آموزش داد (مک‌کان، فوقارتی و روبرتس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). ایزاوا<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) هم اظهار می‌دارد که در فرایند یاددهی-یادگیری، مهارت مدیریت زمان امری اساسی است. گرچه در زمینه رابطه مدیریت زمان با نتایج یادگیری، رضایت شغلی، خلاقیت و اهمال‌کاری تحصیلی پژوهش‌هایی انجام شده است (بیلد، ون‌استینکیست و لنز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰؛ بشیر، بشیر و نظیر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵؛ هافنر، استوک و آبرست<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵؛ یوجین و اجیرو<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷؛ سیاری، جلاگات و دالیوای<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۷)، اما در ارتباط با تأثیرگذاری آن بر خلاقیت و مؤلفه‌هایش (با بررسی کامل پایگاه‌های اطلاعاتی و کلید واژه‌های مختلف) پژوهشی صورت نگرفته است. چنان‌که زمپتاکیس، بورانتا و موستاکیس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند: هرچند بررسی و نظریه اولیه نشان می‌دهد که مهارت-های مدیریت زمان می‌توانند برای خلاقیت مفید واقع شوند (گلاسمن<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۷)، اما در

1. Xiao-hua
2. Sevari & Kandy
3. Kisa & Erosy
4. MacCann, Fogarty & Roberts
5. Izawa
6. Bild, Vansteenkiste & Lens
7. Bashir, Bashir & Nazir
8. Häfner, Stock & Oberst
9. Ujene1 & Ajiero
10. Sayari, Jalagat, & Dalluay
11. Zampetakis, Buranta & Moustakis
12. Glassman

مطالعات تجربی، هیچ تلاشی برای بررسی ارتباط خلاقیت و مدیریت زمان انجام نشده است. براساس نظریه‌های تعیین هدف و نظریه‌های خودگردانی می‌توان خلاقیت و مدیریت زمان را به طور نظری با هم مرتبط دانست (زمپتکیس و همکاران، ۲۰۰۹). با این حال، بررسی پژوهش‌هایی که در ارتباط با تأثیر و رابطه مدیریت زمان بر متغیرهای مذکور انجام شده است، می‌تواند مفید باشد. همچنین رضایی صوفی، کوثری‌پور، خسروی‌راد و زارع فخریان (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بین مدیریت زمان، برنامه‌ریزی با خلاقیت مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های تمنایی فر و قاسمی (۱۳۹۶) حاکی از آن است که بین مدیریت زمان و اهمال‌کاری در دانش‌آموزان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. سواری و کندی (۲۰۱۱) در پژوهش خود مبنی بر تأثیر مدیریت بر عملکرد تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، به این نتیجه رسیدند که آموزش مدیریت زمان می‌تواند عملکرد تحصیلی و خودکارآمدی را بهبود بخشد. دارینی، پژوهش و مشیری (۲۰۱۱) اعلام کردند که بین خلاقیت با رفتار برنامه‌ریزی روزانه، اعتماد به برنامه‌ریزی درازمدت و کنترل درک زمان، رابطه مثبت و با گرایش به بی‌نظمی رابطه منفی وجود دارد. زامپتیس و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود دریافتند که برنامه‌ریزی (اعم از روزانه و درازمدت) و کنترل ادراک شده بر زمان با خلاقیت رابطه مثبت دارد و با به هم ریختگی و بی‌نظمی رابطه منفی دارد. ماینمیلیس، کارک و اپیتروپاکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) بر اساس یافته‌های پژوهشی خود اعلام کردند که زمان و نحوه مدیریت آن می‌تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی در بروز خلاقیت کارکنان باشد. کوشش و دانشور زواجری (۲۰۱۵) بر اساس پژوهش خود بیان کردند که بین مدیریت زمان و سلامت سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های بشیر، بشیر و نظیر (۲۰۱۵) حاکی از آن است که بسیاری از دانش‌آموزان از تأخیر در زمان، عدم تمرکز بر مطالعه و مهارت غلبه بر اهمال‌کاری و حواس‌پرتی رنج می‌برند. هافنر و همکاران (۲۰۱۵) مدعی هستند که آموزش مدیریت زمان موجب افزایش درک کنترل زمان

1. Mainemelis, Kark & Epitropaki



و کاهش احساس استرس می‌شود. نتایج پژوهش اوکاک و بویراز<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نشان داد که بین مدیریت زمان و اهمال‌کاری و ناتوانی در تصمیم‌گیری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یوجین و اجیرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) بیانگر آن است که بین مدیریت زمان با دانش مولد و بهره‌وری در کار ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های محمدخانی قیاسوند، نادری، زاغری تفرشی، احمدی و حسینی (۲۰۱۷) حاکی از آن است که بین مهارت‌های مدیریت زمان با کاهش اضطراب و افزایش انگیزش تحصیلی در پرستاران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش گاپتا و چیتکارا<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) حاکی از آن است که مدیریت زمان (کوتاه مدت و درازمدت) می‌تواند عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود بخشد.

خلاقیت یکی از عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت‌های ذهنی آدمی است و برای تمام حوزه‌های علمی، فناوری و هنری که زندگی روزمره تمامی انسان‌ها را احاطه کرده است، ضروری به‌نظر می‌رسد (رانکو، ۲۰۱۴) و سازمان‌های آموزشی باید از همان مراحل اولیه آموزش به دانش‌آموزان کمک کنند تا مهارت‌های تفکر خلاق را در فرایند یادگیری کسب کنند و قادر باشند مشکلات پیچیده‌ای که هر روزه با آن‌ها مواجه می‌شوند، حل کنند. بنابراین، آموزش و پرورش باید هم شرایط لازم را برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان از همان دوره ابتدایی جامعه فراهم کند و هم زمینه مناسب برای پویایی سازمانی خود که مستلزم پرورش و بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری است، مهیا سازد. بی‌توجهی آموزش و پرورش به پرورش خلاقیت کودکان و نوجوانان، سبب تضعیف نظام آموزشی و به تبع آن جامعه خواهد شد. از آن جایی که مدیریت زمان نقشی اساسی و مؤثر در رسیدن افراد به اهداف تعیین شده دارد و فشار زمان ادراک شده، برای خلاقیت زیان‌آور است، پس احساس داشتن کنترل بالا بر روی زمان از طرف شخص احتمالاً می‌تواند بر خلاقیت تأثیر مثبتی داشته باشد. از سوی دیگر، همان‌طور که قبلاً اشاره شد در ارتباط با تأثیر مدیریت زمان بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن، بویژه

1. Ocak, & Boyraz  
2. Ujene1 & Ajjero  
3. Gupta & Chitkara

در دانش‌آموزان ابتدایی کمتر توجه شده است که خود اهمیت و ضرورت پژوهش را بیشتر آشکار می‌سازد. بر این اساس و با الهام از مبانی نظری و تجربی فوق، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان دختر ابتدایی مؤثر است؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان سبزوار به تعداد (۲۱۴۷ نفر) می‌داد که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. نمونه شامل ۴۰ نفر از دانش‌آموزان مدرسه شاهد دخترانه بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بود. بدین صورت که ابتدا از مدارس ابتدایی یک مدرسه و سپس از آن مدرس دو کلاس انتخاب شد و به صورت تصادفی یک کلاس (۲۰ نفر) به‌عنوان گروه آزمایش و یک کلاس (۲۰ نفر) به‌عنوان گروه گواه جایگزین شدند. پس از هماهنگی‌های لازم با مسئولان مربوطه، جلسه‌ای با حضور دانش‌آموزان آموزش شرکت‌کننده در پژوهش برگزار شد و توضیحات لازم در خصوص تکمیل پرسشنامه و محرمانه بودن نتایج آن‌ها داده شد و پیش‌آزمون از هر دو گروه به‌عمل آمد. سپس گروه آزمایش به مدت ده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای دو جلسه) آموزش مدیریت زمان را به صورت گروهی دریافت کردند و گروه گواه هیچ آموزشی در این خصوص دریافت نکردند. پس از پایان جلسات آموزشی پس‌آزمون از هر دو گروه به‌عمل آمد.

در این پژوهش از پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۷۲) استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس نظریه تورنس به وسیله عابدی در تهران ساخته شد و چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفت و در نهایت فرم ۶۰ سوالی آن در دانشگاه کالیفرنیا به وسیله عابدی تدوین شد. این آزمون ۶۰ سؤال سه گزینه‌ای دارد گزینه‌ها نشان‌دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و

بالا هستند که نمره یک برای خلاقیت پایین، نمره دو برای خلاقیت متوسط و نمره سه برای خلاقیت بالا در نظر گرفته شده است. این پرسشنامه از چهار مولفه سیالی (سوال‌های ۱ تا ۲۲)، بسط (سوال‌های ۲۲ تا ۳۳)، ابتکار (سوال‌های ۳۴ تا ۴۹) و انعطاف‌پذیری (سوال‌های ۵۰ تا ۶۰) تشکیل شده است. مجموع نمرات کسب شده در هر مؤلفه، نمایانگر نمره آزمودنی در آن مؤلفه است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار مولفه (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری)، نمره کلی خلاقیت او را نشان می‌دهد. عابدی (۱۳۷۲) برای بررسی روایی همزمان از روش همبستگی بین نمرات این آزمون و نمرات مقیاس خلاقیت تورنس بر روی ۲۰۰ نفر دانش‌آموز استفاده کرد و ضریب آن ۰/۴۶ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی این پرسشنامه است. ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط روی ۲۲۷۰ دانش‌آموز اسپانیایی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ (آزمندی و عابدی، ۱۹۹۶) و پایایی آن با استفاده از آزمون مجدد روی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۲ و ۰/۸۰ به دست آمد (دائمی، و مقیمی بارفروش، ۱۳۸۳). پایایی این آزمون در پژوهش حاضر ۰/۷۶ به دست آمد.

برنامه آموزش مدیریت زمان از بسته آموزشی مدیریت زمان تریسی<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) استفاده شد. شیوه‌ارائه مطالب بیشتر به صورت مشارکتی بود. رئوس و محتوای اصلی هر جلسه توسط معلم ارائه می‌شد و آن‌گاه دانش‌آموزان فعالانه وارد بحث می‌شدند. فرایند هر جلسه شامل مرور مباحث قبلی، آموزش مستقیم به صورت سخنرانی، بحث گروهی، بارش فکری، ایفای نقش و جمع‌بندی بود. معیارهای ورود، داوطلب بودن، دانش‌آموز دختر پایه ششم ابتدایی دبستان شاهد و ملاک خروج غیبت بیش از دو جلسه بود. خلاصه محتوای جلسات در جدول (۱) ارائه شده است.

---

1. Tracy

**جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش مدیریت زمان (تریسی، ۲۰۰۸)**

جلسات	هدف	محتوا	روش
اول	ایجاد ارتباط اولیه	آشنایی دانش آموزان باهم؛ معرفی شرایط شرکت در جلسات؛ بیان اهداف دوره آموزشی شامل مفهوم و اهمیت زمان، فواید مدیریت زمان	سخنرانی و مشارکتی
دوم	آشنایی با توانمندی‌ها و تعلق‌ورزی	بررسی خطاهای شناختی نسبت به توانمندی‌های فرد؛ تعلق‌ورزی و اتلاف وقت؛ بررسی پیامدهای منفی بی‌توجهی به زمان در انجام کارهای روزمره	بحث و گفتگو و بارش فکری
سوم	آشنایی با اتلاف وقت و برنامه‌ریزی	بررسی عوامل اتلاف زمان، آشنایی با روش‌های صرفه‌جویی زمان و استفاده مناسب از برنامه کاری روزانه، هفتگی و ماهانه	بارش فکری، بحث و گفتگو
چهارم	آشنایی با اهمیت هدف و ویژگی‌های آن	تعیین هدف در فعالیت‌های روزانه و ویژگی‌های یک هدف خوب و پیش‌رونده	بارش فکری، مشارکتی
پنجم و ششم	آشنایی با لزوم اولویت‌بندی هدف‌ها در برنامه‌ریزی	اولویت‌بندی اهداف، کارها، فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی مناسب جهت انجام هر کدام از آن‌ها (آموزش تهیه چک لیست از فعالیت‌ها)؛ انجام برنامه‌ریزی فعالیت‌های روزانه، هفتگی و ماهانه	مباحثه، ایفای نقش و توضیحی
هفتم	شناخت روش‌های مقابله با اتلاف وقت	بررسی شیوه‌های مقابله با اتلاف زمان و افکار مزاحم.	بارش فکری و مباحثه
هشتم	آشنایی با نحوه مقابله با کارهای غیر ضروری	تمرین مهارت نه گفتن در مقابل خواسته‌ها و کارهای غیر ضروری	ایفای نقش و مشارکتی
نهم	آشنایی با تفکر مثبت	ایجاد خودگویی و خودپنداره مثبت در خصوص توانایی‌های خود و آشنایی با استعداد و توانمندی‌های افراد موفق	ایفای نقش و مشارکتی
دهم	مرور جلسات و ارزشیابی	مرور و جمع‌بندی؛ دریافت نظرات شرکت‌کنندگان	مشارکتی و سخنرانی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و از آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس، آزمون t مستقل و نمره افزوده و من-ویتی) با کمک نرم افزار SPSS ویراست ۲۰ استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت، ابتدا یافته‌های توصیفی ارائه شده و آنگاه تحلیل سؤال‌های پژوهش، ارائه می‌شود. در جدول (۲) شاخص‌های توصیفی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون خلاقیت و مؤلفه‌های آن گزارش شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات خلاقیت و مؤلفه‌های آن

گروه‌ها	آزمون‌ها	شاخص‌های آماری	بسط	سیالی	انعطاف‌پذیری	ابتکار	خلاقیت
گروه گواه	پیش‌آزمون	میانگین	۲۴/۳	۵۳/۳	۲۶/۸۵	۳۷/۹۵	۱۴۲/۴
		انحراف معیار	۳/۳۱	۵/۱۶	۷۳/۳	۵/۴۰	۱۵/۳۰
	پس‌آزمون	میانگین	۲۴/۲	۴۸/۷	۲۵/۶	۳۵/۶۵	۱۳۴/۶
		انحراف معیار	۴/۲۵	۶/۴۲	۳/۳۶	۵/۰۳	۱۴/۰۵
گروه آزمایش	پیش‌آزمون	میانگین	۲۳/۵۵	۴۹/۷۵	۲۷/۵	۳۸/۱۵	۱۳۸/۹
		انحراف معیار	۳/۹۰	۵/۸۹	۳/۱۷	۵/۲۳	۱۵/۵۱
	پس‌آزمون	میانگین	۲۶/۲۵	۵۱/۲۵	۲۶/۰۵	۴۰/۰۵	۱۴۳/۲۵
		انحراف معیار	۲/۷۱	۴/۷۳	۲/۵۴	۴/۱۵	۹/۳۶

همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، میانگین نمره خلاقیت و مؤلفه‌های آن شامل بسط، سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار در پیش‌آزمون گروه‌های آزمایشی و گواه تفاوت زیادی

ندارند، اما در پس آزمون نمرات میانگین گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در متغیرهای مذکور به جز انعطاف پذیری افزایش داشته است.

در این بخش به تناسب فرضیه‌های پژوهش از تحلیل‌های آماری مختلفی استفاده شده است. با توجه به این که طرح پژوهشی نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه است، بهترین روش آماری تحلیل کوواریانس است (کرک، ۲۰۱۳). از این رو، چون مفروضه‌های این روش آماری برای سیالی و انعطاف پذیری برقرار بود، از روش تحلیل کواریانس استفاده شد؛ اما چون مهمترین مفروضه‌های این روش آماری یعنی شیب رگرسیون برای خلاقیت، بسط و ابتکار برقرار نبود، از روش تحلیل نمرات افتراقی یا تحلیل نمره‌های تفاوت استفاده شده است. همچنین به علت نرمال نبودن نمرات امتیاز مولفه ابتکار در گروه گواه ( $p < 0/05$ ) از آزمون ناپارامتری من-ویننی استفاده شده که نتایج در ادامه گزارش شده است. برای بررسی اثر آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت و بسط با توجه به سطح معناداری آزمون پیش فرض همگونی شیب رگرسیون (برای خلاقیت  $F = 7/238$ ؛  $p < 0/05$  و برای بسط  $F = 5/493$ ؛  $p < 0/05$ ) که کمتر از  $0/05$  بود، از روش آزمون  $t$  مستقل استفاده شد. برای این منظور ابتدا تفاضل نمره پیش آزمون از پس آزمون را در دو گروه گواه و آزمایش محاسبه کرده و سپس به بررسی نرمال بودن نمرات امتیازها در دو گروه آزمایشی (برای خلاقیت  $F = 0/965$ ؛  $p < 0/05$  و برای بسط  $F = 0/965$ ؛  $p < 0/05$ ) و گواه ( $F = 0/909$ ؛  $p < 0/05$ ) و برای بسط،  $F = 0/962$ ؛  $p < 0/05$ ) با استفاده از آزمون شاپیروویلک پرداخته شد. نتایج این آزمون در جدول (۳) و (۴) آورده شده است.

### جدول ۳. نتایج آزمون $t$ مربوط به مقایسه میانگین امتیازهای خلاقیت

متغیر	گواه	آزمایش	$t$	درجه آزادی	سطح معناداری
میانگین	-۷/۸	۴/۲	۲/۵۵	۳۸	۰/۰۱۵
خلاقیت	۱۶/۳۵	۱۳/۱۶			
انحراف استاندارد					

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

**جدول ۴.** نتایج آزمون t مربوط به مقایسه میانگین امتیازهای مولفه بسط

متغیر	گواه	آزمایش t	درجه آزادی	سطح معناداری
میانگین بسط	-۰/۱۰	۲/۷۰	۳۸	۰/۰۲۸
انحراف استاندارد	۴/۰۶	۳/۶۶		

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که آموزش مدیریت زمان بر مولفه بسط خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

برای بررسی اثر آموزش مدیریت زمان بر مؤلفه‌های سیالی و انعطاف‌پذیری با توجه به سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، همگنی واریانس بر اساس آزمون لوین و همگونی شیب رگرسیون که بیشتر از ۰/۰۵ ( $p > ۰/۰۵$ ) است (جدول ۵)، از تحلیل کوواریانس تک متغیره برای دو مولفه فوق استفاده شد (جدول ۶ و ۷).

**جدول ۵.** نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، لوین و همگونی شیب رگرسیون مؤلفه‌های سیالی و انعطاف‌پذیری

متغیر	آزمونها	Z کلموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری	آماره آزمون لوین	سطح معناداری	F همگونی شیب رگرسیون	سطح معناداری
سیالی	پیش آزمون	۰/۹۹۹	۰/۲۷	۰/۷۰۳	۰/۴۱	۱/۱۳۴	۰/۳۳۳
	پس آزمون	۰/۸۱۵	۰/۵۲	۰/۴۸۸	۰/۴۹		
انعطاف‌پذیری	پیش آزمون	۰/۷۵۹	۰/۶۱	۰/۲۲۵	۰/۶۴	۲/۶۵	۰/۰۸۴
	پس آزمون	۰/۸۸۵	۰/۴۱	۲/۶۰۷	۰/۱۱		

**جدول ۶. آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره مولفه سیالی**

منبع	جمع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
مدل تصحیح شده	۶۹/۲۳	۲	۳۴/۶۲	۱/۰۶	۰/۳۶
پیش آزمون	۴/۲۱	۱	۴/۲۱	۰/۱۲۹	۰/۷۲۱
گروه	۶۸/۹۱	۱	۶۸/۹۱	۲/۱۱	۰/۱۵۴
خطا	۱۲۰۵/۷	۳۷	۳۲/۵۹	-	-
کل	۱۰۱۱۷۵	۴۰	-	-	-

**جدول ۷. آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره مولفه انعطاف پذیری**

منبع	جمع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
مدل تصحیح شده	۴۳/۹۲	۲	۲۱/۹۶۰	۲/۷۵	۰/۰۷۷
پیش آزمون	۴۱/۸۹	۱	۴۱/۸۹	۵/۲۴	۰/۰۲۸
گروه	۴/۱۴۹	۱	۴/۱۴۹	۰/۵۲	۰/۴۷۶
خطا	۲۹۵/۸۵۵	۳۷	۷/۸۰	-	-
کل	۲۷۰۱۷	۴۰	-	-	-

برای بررسی اثر آموزش مدیریت زمان بر مؤلفه ابتکار با توجه به سطح معناداری آزمون پیش فرض همگونی شیب رگرسیون ( $F = ۱۲/۹۵$ ;  $p < ۰/۰۵$ ) و نرمال نبودن نمرات امتیاز در گروه گواه ( $F = ۰/۸۹۵$ ;  $p < ۰/۰۵$ ) از آزمون ناپارامتری من-ویتنی استفاده شد (جدول ۸).

**جدول ۸. نتایج مربوط به آزمون من-ویتنی جهت مقایسه میانگین امتیاز مولفه ابتکار**

متغیر	آماره آزمون من-ویتنی U	Z	سطح معناداری
امتیاز نمرات ابتکار	۱۰۹/۵	-۲/۴۶	۰/۰۱۳

براساس نتایج جدول (۸) تفاوت معناداری میان دو گروه گواه و آزمایش از لحاظ میانگین رتبه امتیاز نمرات ابتکار وجود دارد (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵) بنابراین تأثیر آموزش مدیریت زمان بر مؤلفه ابتکار مثبت و معنادار است.



## بحث و نتیجه‌گیری

امروزه پرورش و تولید فکر و اندیشه مهم‌ترین هدف هر نظام آموزشی است. آرزوی همه جوامع، داشتن نیروهای متفکر و خلاق است تا از این طریق بتوانند، بهترین شرایط زندگی را برای افراد جامعه خویش فراهم سازند. نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سازمان‌ها بر پرورش خلاقیت افراد جامعه است. از این رو یکی از هدف‌های اساسی نظام آموزشی، پرورش خلاقیت و آموزش‌های خلاق به یادگیرندگان است. در این پژوهش نیمه آزمایشی، آموزش مدیریت زمان برای دانش‌آموزان ابتدایی به کار گرفته شد، تا تأثیر آن بر میزان خلاقیت و مؤلفه‌های آن سنجیده شود.

در بررسی تأثیر آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر سبزوار مشخص شد که آموزش مدیریت زمان بر خلاقیت و مؤلفه‌های بسط و ابتکار تأثیر مثبت و معناداری دارد. این نتایج با یافته‌های رضایی صوفی و همکاران (۱۳۹۵)، زامپتاکیس و همکاران (۲۰۱۰)، لئونیداس (۲۰۱۰)، دارینی و همکاران (۲۰۱۱) ماینمیلیس و همکاران (۲۰۱۵)، گاپتا و چیتکارا (۲۰۱۸) همخوانی وجود دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که برنامه‌ریزی یک جنبه حیاتی از فرایندهای مدیریت زمان است و خلاقیت و مدیریت زمان را می‌توان به‌طور نظری به هم ربط می‌دهد (زامپتاکیس و همکاران، ۲۰۰۹). فشار زمان ادراک شده، برای خلاقیت مضر است. پس احساس داشتن کنترل بالا روی زمان از طرف شخص (کنترل ادراک شده از زمان) با خلاقیت رابطه وجود دارد (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، خلاقیت، کارکردی در زمان موجود است و با داشتن احساس کنترل بر زمان (کنترل ادراک شده از زمان) رابطه مثبت و با فشار زمان تجربه شده ارتباط منفی پیدا می‌کند (زامپتاکیس و همکاران، ۲۰۰۹). آموزش مدیریت زمان به روش مشارکتی می‌تواند روش‌های جدیدی پیش روی دانش‌آموزان از جمله انتخاب هدف، اولویت‌بندی فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی بگشاید و زمینه رشد خلاقیت را سبب شود. چنان-

که صمدی و مینایی (۱۳۹۷) اعلام کردند که آموزش مشارکتی می‌تواند خلاقیت دانش-آموزان را بهبود بخشد. همچنین دارینی و همکاران (۲۰۱۱) مدعی هستند که بین خلاقیت با رفتار برنامه‌ریزی روزانه، اعتماد به نفس و برنامه‌ریزی بلندمدت ارتباط مثبتی وجود دارد. مدیریت موفق زمان، روش‌های نوینی را به افراد نشان می‌دهد تا دیدگاه بهتری در مورد کارهای وابسته به یکدیگر و اولویت‌ها به دست آورند؛ فرصت‌های بیشتری برای پرورش خلاقیت خود و دیگران داشته باشند؛ با فشارهای روانی مقابله کنند و اوقات فراغت بیشتری برای خود جهت انجام کارهای اساسی و مهم ایجاد کنند (سواری و نوری، ۱۳۹۳). نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است افرادی که احساس می‌کنند، زمان را بیشتر در کنترل دارند (مانند افراد خلاق) زمان را بهتر مدیریت می‌کنند (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۷).

برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ارتباط مثبتی با مهارت مدیریت زمان دارد. تسلط دانش-آموزان بر مهارت مدیریت زمان این توانایی را به آنان می‌دهد که نسبت به امور و کارهایشان دقیق‌تر باشند و با حساسیت بیش‌تری نسبت به زمان نگاه کنند؛ زمان بیش‌تری را صرف فکر کردن و تجزیه و تحلیل برنامه‌هایشان نمایند؛ کارهای خود را با آرامش فکری بیش‌تری انجام دهند؛ به هدف‌هایشان سریع‌تر دست یابند و حس اعتماد به نفس در آنان افزایش می‌یابد. در نتیجه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مناسب، عوامل استرس‌زا و نگرانی از کمبود وقت از آنان دور می‌شود و از زمانی که در اختیار دارند استفاده بیش‌تر می‌برند. به عبارت دیگر مدیریت زمان، فرصت مناسب برای اندیشیدن و تفکر در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا آن‌ها بتوانند در حین انجام فعالیت به جزئیات توجه کنند، دقت خود در ارائه، پیاده‌سازی، ارزش دادن به ایده‌ها و ارتباط آن ایده‌های دیگر به منظور عرضه یک ایده جدید بهبود بخشد و به این طریق مدیریت زمان زمینه رشد و بهبود بسط (از مؤلفه‌های خلاقیت) را فراهم می‌سازد. مدیریت زمان سبب می‌شود تا دانش‌آموزان اقدام به برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و درازمدت کنند و هدف‌های مناسب در جهت ارائه افکار نو و ایده‌های خلاق را انتخاب کنند و به پرورش این ایده‌های نو بپردازند. آن‌ها در سایه مدیریت زمان، فرصت کافی پیدا می‌کنند تا با دقت و

اعتماد به نفس، فرضیه‌های خود را مورد بررسی و آزمون قرار دهند و از یافته‌های خود در موقعیت‌های تازه و حل مسایل روزمره استفاده کنند و بدین ترتیب ابتکار خود را بهبود بخشند. چنان که زمپتکیس و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند مدیریت زمان سبب می‌شود تا افراد به ابتکار و ارائه ایده‌های خلاق در فضای سازمانی خود اقدام کنند.

آموزش مدیریت زمان نشان داد که بر مؤلفه‌های سیالی و انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر مثبت و معناداری ندارد. در این رابطه می‌توان گفت که سیالی، توانایی برقراری رابطه معنادار بین اندیشه‌ها، سرعت بیان و تولید هر چه بیشتر مفاهیم، جملات و ایده‌ها است و رشد آن نیازمند کسب تجربیات بیشتر از سوی دانش‌آموزان است که منجر به رشد شناختی بیشتر آنان شود تا بتوانند دامنه انتخاب‌های وسیع‌تری داشته باشند؛ زیرا این انتخاب‌ها می‌تواند امکان مشاهده و خلق ایده‌های بیشتر را برای آنان فراهم سازند و در نتیجه تقویت ذهن، توانایی لازم جهت ارائه راه‌حل‌های متنوع و متفاوت برای حل هر مسئله‌ای پیدا کنند و تحقق این هدف مستلزم کسب تجربه و آموزش بیشتری است که در صورت تداوم می‌تواند دستیابی به آن را برای دانش‌آموزان ابتدایی در پایه‌های بالاتر هموار سازد. انعطاف‌پذیری نیز، مستلزم دریافت تجارب متفاوت‌تر است و هر چه این تجربیات دارای تنوع بیشتری باشد، سبب می‌شود تا دانش‌آموزان بتوانند، یک موضوع را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کنند و به سمت تولید ایده‌های گوناگون و متنوع سوق یابند و آموزش مدیریت زمان با تعداد جلسات اندک نتوانسته است این مؤلفه را تقویت کند؛ زیرا نظام آموزشی رسمی کشور ما بیشتر حافظه محور است و معلمان و متولیان نظام آموزشی، در این پایه به خاطر آماده کردن دانش‌آموزان جهت شرکت در آزمون‌های مدارس خاص (مانند تیزهوشان و نمونه) و استفاده از آزمون‌های مداد-کاغذی و چند گزینه‌ای، به نوعی تفکر همگرا را گسترش می‌دهند و مانع ترویج و تقویت تفکر واگرا و کسب تجربیات تازه و متنوع می‌شوند. دانش‌آموزان در این شیوه منفعل بوده و اغلب به سوی حفظ و ارائه پاسخ‌های از پیش تعیین شده سوق داده می‌شوند. علاوه بر این، فرهنگ حاکم بر فضای آموزش و پرورش ایران، دانش‌آموزان را تحت فشار قرار می‌دهد که منفعل بمانند و به

جای اندیشیدن و تولید راه‌حل‌های جدید منتظر دریافت اطلاعات از ناحیه معلم و دیگران باشند. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که مؤلفه‌های خلاقیت همچون سیالی و انعطاف‌پذیری بهبود یابند. چنان‌که استرنبرگ (۲۰۰۱) هم مدعی است که شاید دلیل ناتوانی رشد خلاقیت توسط نهادهای آموزشی ناشی از غرق شدن در مقررات دیکنه شده باشد که جلو سیالی و انعطاف‌پذیری را گرفته است. همچنین عواملی چون نبود فضای خلاقانه، ترس از شکست، انتقاد، عدم اختصاص زمان کافی و مناسب را می‌توان از موانع پرورش سیالی و انعطاف‌پذیری معرفی کرد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نداشتن مرحله پیگیری، محدودیت جلسات آموزشی و صرفاً حضور دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر سبزوار اشاره کرد که لازم است در تعمیم نتایج در بلندمدت و به سایر جوامع احتیاط شود. همچنین استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه می‌تواند محدودیت‌های را برای تعمیم نتایج ایجاد کند. از این رو پیشنهاد می‌شود که این مطالعه روی دانش‌آموزان دبیرستانی، دانشجویان و پسران با تعداد جلسات بیشتر همراه با مرحله پیگیری انجام شود و از ابزارهای دیگر مانند مشاهده، مصاحبه و آزمون‌های عملی برای سنجش خلاقیت استفاده شود. همچنین برنامه‌ریزان درسی و آموزشی، معلمان، استادان و والدین می‌توانند از برنامه آموزش مدیریت زمان به عنوان یک برنامه مداخله انتخابی برای پرورش خلاقیت استفاده کنند.

**سپاسگزاری:** این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار (۱۳۹۵/۰۶/۲۷) است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری و مساعدت مسئولان، معلمان و دانش‌آموزان عزیزی که در این پژوهش ما را یاری نموده‌اند سپاسگزاری نمایند.

## منابع

- احمدی، پروین؛ صمدی، پروین و مینایی، مهناز. (۱۳۹۷). تأثیر یادگیری مشارکتی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس جغرافیا. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۸(۱)، ۱-۲۲.
- بهرامی، معصومه؛ باقری راد، سیده فاطمه؛ رسولی خورشیدی، فاطمه و قاسمی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس دامنه‌های خلاقیت کافمن. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۸(۱)، ۱۶۵-۱۸۲.
- تریسی، برایان. (۱۳۸۸). *مدیریت زمان*، ترجمه رضا عرب و علی زارع، تهران: بوم رنگ. انتشار به زبان اصلی (۲۰۰۸).
- تمنایی‌فر، محمدرضا و قاسمی، المیرا. (۱۳۹۶). تبیین اهمال‌کاری تحصیلی براساس صفات شخصیت و مهارت مدیریت زمان. *دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۵(۸)، ۲۲۳-۲۴۴.
- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت و خودپنداره دانش‌آموزان. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۶(۲۳)، ۱۰۱-۱۱۲.
- دائمی، حمیدرضا و مقیمی بارفروش، سیده فاطمه. (۱۳۸۳). *هنجاریابی آزمون خلاقیت*. مجله *تازه‌های علوم شناختی*، ۶(۴ و ۳)، ۱-۸.
- رضایی صوفی، مرتضی؛ کوثری پور، محسن؛ خسروی راد، بهاره و زارع فخریان، نفیسه. (۱۳۹۵). رابطه مدیریت زمان با تمایل به برنامه‌ریزی و خلاقیت مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، ۴(۴)، ۱۱۱-۱۲۱.
- سواری، کریم و نوری، علی. (۱۳۹۳). مقایسه مهارت مدیریت زمان و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی بالا و پایین. *روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی*، ۱۰(۳۱)، ۱۰۹-۱۲۴.
- عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن. *مجله پژوهش‌های روانشناختی*، ۳، ۴۶-۵۴.
- فقیه آرام، بتول. (۱۳۹۷). رابطه هوشهای چندگانه با ویژگی شخصیتی کارآفرینی و خلاقیت دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۷(۴)، ۱۷۹-۱۹۶.

- Aggar, C., Bloomfielda, J., Frotjolda, A., Thomas, T., & Koo, F. (2018). A time management intervention using simulation to improve nursing students' preparedness for medication administration in the clinical setting: A quasi-experimental study. *Collegian*, 25, 105-111.
- Bild, J. D., Vansteenkiste, M. & Lens, W. (2010). Understanding the association between future time perspective and self-regulated learning through the Lens of self-determination theory. *Journal of Learning and Instruction*, 23, 1-13.
- Bashir, S.; Bashir, Z. and Nazir, M. (2015). "Time management and its application in academic life: a study of Omani students at Dhofar University, sultanate of Oman". *Linguistics*, 4(2):154-159.
- Claessens, B.J.C., Van Eerde, W., Rutte, C.G. & Roe, R.A. (2007). A review of the time management literature. *Personnel Review*, 36, PP: 255 -263.
- Darini, M., Pazhouhesh, H., & Moshiri, F. (2011). Relationship between Employee's Innovation (Creativity) and time management. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 25, 201-213.
- Elsabahy, HE. Sleem, WF. El Atroush, HG. (2015). Effect of Time Management Program on Job Satisfaction for Head Nurses. *Journal of Education and Practice*, 6 (32), 36-44.
- Fedotova O. (2013). Psychoanalytic Doctrine as a Historic-Theoretical Basis of Modern Psychoanalytic Pedagogics. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 86, 413-418.
- Glassman, E. (1986). Managing for creativity: Back to basics in R&D. *R&D Management*, 16(2), 175 -183.
- Glick, D. M. and Orsillo, S. M. (2015). "An investigation of the efficacy of acceptance-based behavioral therapy for academic procrastination". *Journal of Experimental Psychology*, 144 (2): 400-409.
- Gupta, D., & Chitkara, S. (2018). Effect of Time Management on Academic Performance of Management Students. *Global Journal on Recent Advancement in Business Forecasting and Marketing Intelligence*, 2(1), 3-14.
- Häfner, A.; Stock, A. and Oberst, V. (2015). "Decreasing students' stress through time management training: an intervention study". *European Journal of Psychology of Education*, 30: 81-94.
- Izawa, C. (2002). Total time & efficient time management. In search of optimal learning & retention via. *American Journal of Psychology*, 113, 221-224.
- Kampylis, P., Berki, E., & Saarluoma, P. (2010). *In-service and prospective teachers' conceptions of creativity. Thinking Skills and Creativity*, 6, 15-29.
- Kerr, B., & Gagliardi, A. (2006). *Measuring creativity in research and practice*. Arizona State University.
- Kisa, A & Erosy, K. (2005). *The Need for Time management training is Universal*. Hospital Topics. 83, 1.

- Kooshesh, K., & Daneshvar Zavajeri, S. (2015). The relationship organizational health with time management between employee departments of physical education. *Journal of Renewable Natural Resources Bhutan*, 3(1), 374-387.
- Leonidas A. Zampetakisa, Bourantab N., Vassilis S. Moustakis (2010). "On the relationship between individual creativity and time management". *Thinking Skills and Creativity*, 5, 23-32.
- Liu, O.L.; Rijmen, F.; MacCann, C. and Roberts. R. (2009). "The assessment of time management in middle-school students". *Personality and Individual Differences*, 47: 174-179.
- Macan, T. H. (1994). Time management: Test of a process model. *Journal of Applied Psychology*, 79(3), 381-391.
- MacCann, C.; Fogarty, G.J. and Roberts, R.D. (2012). "Strategies for success in education: Time management is more important for part-time than full-time community college students". *Learning and Individual Differences*, 22: 618-623.
- Mackenzie, A. (1990). *The Time Trap*. New York, McGraw-Hill. pp 3 - 41.
- MacCann, C.; Duckworth, A.L. and Roberts, R.D. (2009). "Empirical identification of the major facets of conscientiousness". *Learning and Individual Differences*, 19: 451-458.
- Mainemelis, C., Kark, R., Epitropaki, O. (2015). Creative leadership: A multi-context conceptualization. *Academy of Management Annals*, 9, 393-482.
- Maker, C. J., Jo, S. & Muammar, O. (2008). *Development of creativity: The influence of varying levels of implementation of the DISCOVER curriculum model, a non-traditional pedagogical approach*. *Learning and Individual Differences*, 18, 402-417.
- Mohamadkhani Ghiasvand, N., Naderi, M., Zagheri Tafreshi, M., Ahmadi, F., & Hosseini, M. (2017). Relationship between time management skills and anxiety and academic motivation of nursing students in Tehran. *Electronic Physician*, 9(1), 3678-3684.
- Oana Dău-Gaşpar (2011). "The teacher's creative attitudes – An influence factor of the students' creative attitudes". International Conference the Future of Education.
- Ocak, G. and Boyraz, S. (2016). "Examination of the relation between academic procrastination and time management skills of undergraduate students in terms of some variables". *Journal of Education and Training Studies*, 4(5). 1-9.
- Ojo B., David A. Olaniyan. (2008). Effective time management in organization Panacea or placebo. *European Journal of Scientific Research*, 1, 127-133.
- Robinson, K., & Azzam, A. M. (2009). Why creativity now? *Educational Leadership*, 67(1), 22-26.
- Runco, M. A. (2014). *Creativity* (2nd ed.). Boston, MA: Academic Press.

- Sahito, Z., & Vaisanen, p. (2017). Effect of Time Management on the Job Satisfaction and Motivation of Teacher Educators: A Narrative Analy. *International Journal of Higher Education*, 6(2), 213-224.
- Sayari, K., Jalagat, R., & Dalluay, V. (2017).. Assessing the Relationship of Time Management and Academic Performance of the Business Students in Al-Zahra College for Women. *European Business & Management*, 3(1), 1-8.
- Sevari, K., & Kandy, M. (2011). Time management skills impact on self-efficacy and academic performance. *Journal of American Science*, 7(12), 720-726.
- Sternberg, R. J. (1988). *The Nature of Creativity*. New York. Cambridge University Press.
- Strenberg, R. J. (2001). *Handbook if creative thinking*: oxford: Cambridge University Press
- Teo, L. (2010). A reach measure of fostering creativity. *Creativity Research*, 22, 206-218.
- Time. (2011). *The American Heritage Dictionary of the English Language 4th (ed.)*. Houghton Mifflin Company, Boston.  
<https://ahdictionary.com/word/search.html?q=time>
- Torrance. E Paul, (1990), *Fostering Academic creativity in gifted student Eic Digest*, U. S.A.
- Ujene, A., & Ajiero, I. (2017). Personal Time Management Practices and Efficiency of Construction Artisans at Work in Akwa Ibom State. *Covenant Journal of Research in the Built Environment*, 5(2), 1-14.
- Zampetakis, L. A. (2009). “The role of creativity and pro-activity on perceived entrepreneurial desirability”. *Thinking Skills and Creativity*, 3, 154–162.
- Zampetakis, L. A., & Moustakis, V. (2006). Linking creativity with entrepreneurial intention: A structural approach. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 2(3), 413–428.
- Zampetakis, L. A., Bouranta, N., & Moustakis, V. S. (2010). On the relationship between individual creativity and time management. *Thinking Skills and Creativity*, 5, 23-32.